

## رابطه عزم ملی و تقویت مقاومت اسلامی از نگاه قرآن

محمدعلی محمدی\*

تأیید: ۹۹/۱۰/۱۸

دریافت: ۹۹/۶/۱۳

### چکیده

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که «استقامت امت اسلامی» و «عزم امت» از مفاهیم بنیادینی است که قوام جامعه اسلامی به آن‌ها وابسته است. همراهی مقاومت - به مفهوم پایداری در مسیر حق در برابر کژی‌ها - با عزم ملی، به معنای تصمیم جدی همه آحاد یک جامعه بر انجام امور و حل مشکلات، دستاوردهای فراوانی دارد که تبیین آن می‌تواند در تقویت حکومت اسلامی نقشی اساسی ایفا کند. با توجه به این مهم در نوشتار پیش رو، با نگاهی قرآنی، دستاوردهای مقاومت بر پایه عزم ملی بررسی شده است.

این نوشتار بر این نظریه استوار است که «بین عزم ملی و استقامت اسلامی، رابطه متقابلی وجود دارد که تقویت هر کدام به تقویت دیگری منجر می‌شود». اساساً بدون عزم یک امت بر رسیدن به اهداف خود، مقاومت شکل نخواهد گرفت. از این رو، توسعه اقتصادی و افزایش توان تحمل مشکلات اقتصادی، از دستاوردهای اقتصادی مقاومت؛ تقویت صبر اجتماعی و غفلت‌زدایی از دستاوردهای سیاسی؛ نشاط روحی جامعه از دستاوردهای اجتماعی و شکست‌ناپذیری از دستاوردهای نظامی هم‌گرایی عزم ملی و استقامت اسلامی است.

### واژگان کلیدی

عزم ملی، مقاومت اسلامی، آموزه‌های قرآنی

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن:

aqamohammadi@gmail.com



پروپوزیشن کاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

یکی از مباحث مهم در دو حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، عزم ملی است که تحقق آن در مسیر پیشرفت دنیوی و اخروی افراد و جوامع، فواید فراوانی دارد. کمک به توسعه همه‌جانبه مادی و معنوی (یوسف (۱۲): ۴۷)، افزایش توان مقابله با دشمنان بیرونی و درونی (آل عمران (۳): ۱۵۲)، وحدت و یک‌پارچگی عمومی، افزایش قدرت سخت و نرم (آل عمران (۳): ۱۸۶)، تقویت اراده فردی و اجتماعی (طه (۲۰): ۱۱۵ و لقمان (۳۱): ۱۷)، از جمله آثار عزم ملی و مستفاد از قرآن است. پایداری اسلامی نیز از مباحث اثرگذار در دو حوزه فرد و اجتماع است و آثار شگرفی بر فرد و جامعه دارد. برخی از آثار استقامت که در قرآن نیز بر آن تأکید شده عبارتند از: آرامش (فصلت (۴۱): ۳۰)، امداد خدا (فصلت (۴۱): ۳۱)، پیروزی بر دشمنان (بقره (۲): ۲۵۱-۲۴۹)، رستگاری (انفال (۸): ۴۵)، جلب محبت خدا (آل عمران (۳): ۴۶ و ۱۴۸)، بشارت فرشتگان (فصلت (۴۱): ۳۰) و ...

مسئله‌ای که در این مقاله بدان پرداخته شده این است که بین «عزم ملی» و تقویت «استقامت اسلامی» چه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا آیات قرآن کریم، ما را به رابطه معناداری بین این دو رهنمون می‌شود؟ در کنار این مسئله، مسائل دیگری نیز خودنمایی می‌کند. از جمله این که این دو مفهوم، چگونه می‌توانند بر یک‌دیگر اثرگذار باشند؟ آثار هر یک بر دیگری کدام است؟

## پیشینه بحث

کتاب یا مقاله‌ای که رابطه عزم ملی و مقاومت اسلامی را واکاوی کرده باشد، یافت نشد، ولی مقالات و کتاب‌هایی در موضوع «عزم ملی» یا «مقاومت اسلامی» وجود دارد. از جمله کتاب «تحلیلی بر مسئله اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، نوشته عبدالمجید دشتی برازجانی، انتشارات کریمه اهل بیت : در ۴۴ صفحه، مقاله «ابعاد فرهنگ و مدیریت جهادی در تحقق اقتصاد مقاومتی در نیروی انتظامی»، داود دعاگویان و لطفعلی بختیاری، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، سال دوازدهم شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۱۳۶-۱۱۹، کتاب ایران ۱۴۲۷ «عزم ملی برای توسعه

علمی و فرهنگی»، نوشته رضا منصوری، در ۳۰۹ صفحه، کتاب‌هایی در موضوع «مقاومت اسلامی لبنان»، «مقاومت مردم فلسطین»، «مقاومت ایران در نبرد» و...، کتاب‌ها و مقالات یادشده هیچ‌کدام رابطه عزم ملی و مقاومت اسلامی را تبیین نکرده‌اند.

### مفهوم‌شناسی

«عزم» در لغت، به معنای «تصمیم محکم» است و در جایی به کار می‌رود که شخص، تصمیم قطعی بر انجام کاری داشته باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۱۳) و گاهی به هر امر یقینی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۶۳) و هر چیز محکم نیز عزم گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۹۹). به گفته راغب اصفهانی، عزم به معنای تصمیم قلبی برگزاندن و خاتمه‌دادن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۵). پیامبران اولوالعزم، دارای اراده‌ای راسخ‌تر و قوی‌تری بوده و ویژگی خاصی داشتند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۱۳ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۴۳).

ملی در زبان فارسی؛ یعنی منسوب به ملت، طرف‌دار و هوادار ملت، آنچه در اختیار ملت است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۴، ص ۲۱۵۱۳). طرف‌دار ملت، هوادار ملت (معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۸۱۸).

ملت در اصطلاح امروزی به معنای مجموعه‌ای از افراد است که به واسطه اشتراک در همه یا اکثر عوامل ذیل؛ یعنی نژاد، سرزمین، زبان، فرهنگ و تاریخ عقاید و جهان‌بینی، به هم پیوند خورده و احساس تعلق و هویت مشترک دارند (شیخ شعاعی، ۱۳۸۶، ص ۱۱). برخی در مفهوم ملت، چارچوب جغرافیایی معلوم را لحاظ کرده و معتقدند هرگاه جمعیتی، حتی با اختلاف در عادات، زبان و باورهای مذهبی در چارچوب جغرافیایی معلوم و مشخص با یک‌دیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند و برای اعتلای جامعه خود کوشا باشند، از نظر حقوق بین‌المللی تشکیل یک ملت داده‌اند (بابایی زارچ، ۱۳۸۳، ص ۳۲-۳۱). ولی چارچوب جغرافیایی در مفهوم ملت وجود ندارد، بلکه وقتی به کشور اضافه شود، آن‌گاه چارچوب جغرافیایی از آن فهمیده می‌شود. آنچه باعث قوام مفهوم ملت می‌شود، جامعه و مجموعه‌ای است که به خاطر

یک یا چند عوامل زبان، فرهنگ، سرزمین، باورها و... هویت مشترکی دارند. از این رو، ملت مسلمان، ملت شیعه، ملت ترک، ملت بلوچ، ملت کفر و... استعمال می‌شود؛ هرچند در یک کشور نباشند.

در مجموع منظور از «عزم ملی» تصمیم جدی همه آحاد یک جامعه بر انجام امور و حل مشکلات است که نتیجه آن تحول سریع در پیشرفت کشور و حل مشکلات جامعه خواهد بود و به فرموده امام خامنه‌ای: «یک ملت تا عزم راسخ نداشته باشد، نمی‌تواند به هیچ‌جا برسد...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱/۱).

واژه عزم ملی به مفهوم مصطلح غربی، اولین بار به وسیله ژان ژاک روسو<sup>۱</sup> مطرح شد (رشید و مرادی، ۱۳۹۱، ش ۴۹، ص ۱۰۷). وی برای عزم ملی از واژه «National Will» استفاده کرده است. ولی واژه یادشده به معنای اراده ملی است. دیگر اندیشمندان غربی غالباً عزم ملی را با اراده همگانی مترادف گرفته‌اند.

امروزه برای «عزم ملی» از واژه «National determination» استفاده می‌شود. اندیشوران غربی از عزم ملی چند تعریف ارائه کرده‌اند. بهترین تعریف را پتر پیس «Peter Pace»<sup>۲</sup> به شکل زیر ارائه کرده است: «پذیرش باورها و توانایی مردم برای رسیدن به یک هدف و مقصود مشترک و یا ایستادگی در برابر دشمن» (همان).

مقاومت در زبان فارسی به معنای پایداری کردن، ایستادگی کردن، در ایستادن، پای داشتن، ثبات ورزیدن و پافشاری کرد، است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۴، ۲۱۳۰۲). ریشه این واژه «ق - و - م» و مقاومت مصدر باب مفاعله است که در زبان عربی به معنای مقابله کردن، صبر، تحمل، دفاع کردن و ایستادگی در برابر ایستادگی دیگران آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۴۸ و شفیع‌نیا، ۱۴۳۲ق، ص ۳۴).

مقاومت وقتی به واژه اسلامی اضافه شود، به معنای پایداری در دین و مسیر حق در برابر هر گونه ناحق و کژی و بی‌عدالتی است. چنان‌که استقامت در مفهوم قرآنی آن نیز به معنای ثبات در دین و پایداری در مسیر حق در برابر کژی‌هاست (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۱۸).

## عزم ملی در آموزه‌های قرآن

در قرآن کریم، ماده عزم ۹ بار تکرار شده که در برخی موارد برای پیامبران بزرگ (احقاف(۴۶): ۳۵)، به ویژه رسول اکرم ﷺ (آل عمران(۳): ۱۵۹) و در مواردی در قالب توصیه لقمان به فرزندش (لقمان(۳۱): ۱۷) و مطالبی در باره ازدواج (بقره(۲): ۲۳۵) و طلاق (بقره(۲): ۲۲۷) آمده است.

واژه ملت بارها در قرآن آمده است (بقره(۲): ۱۳۰ و ۱۳۵؛ آل عمران(۳): ۹۵؛ نساء(۴): ۱۲۵؛ انعام(۶): ۱۶۱؛ یوسف(۱۲): ۳۸-۳۷؛ نحل(۱۶): ۱۲۳؛ حج(۲۲): ۷ و ۷۸ و اعراف(۷): ۸۸-۸۹). اما مفهوم قرآنی آن با اصطلاح فارسی متفاوت است. منظور از ملت در قرآن کریم، آیین و روش است و نمی‌توان ملت به عنوان یک اصطلاح سیاسی را هم‌مفهوم با این واژه دانست. واژه امت نیز در قرآن آمده است (بقره(۲): ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۱، ۲۱۳ و ۴۳؛ آل عمران(۳): ۱۰۴ و ۱۱۳ و...) که مراد از آن در برخی از آیات، گروهی است که از باورهای مشترکی پیروی می‌کنند؛ مانند پیروان ابراهیم ۷ و محمد ﷺ و اهل کتاب، ولی مفهوم اصلی امت، گروهی هستند که امر واحدی باعث اجتماع آنان شده است. امر یادشده می‌تواند، دین، زمان یا مکان واحد باشد. هم‌چنین می‌تواند اجباری یا اختیاری باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۵).

واژه قوم نیز در قرآن بسیار به کار رفته است (یونس(۱۰): ۹۸؛ هود(۱۱): ۸۹؛ انبیاء(۲۱): ۷۴؛ فرقان(۲۵): ۳۷؛ شعراء(۲۶): ۱۱؛ دخان(۴۴): ۱۷؛ ذاریات(۵۱): ۴۶ و نجم(۵۳): ۵۲). این واژه نسبت به کلمه امت، به معنای ملت به عنوان یک اصطلاح سیاسی نزدیک‌تر است. هرچند در برخی موارد، معنای کلمه امت و قوم تقریباً معادل است، اما قرآینی وجود دارد که نشان می‌دهد قوم از جهت معنا گسترده‌تر از امت است؛ مانند: «من قوم موسی امة» (اعراف(۷): ۱۵۹).

در مجموع می‌توان گفت؛ هرچند واژه ملت به مفهوم سیاسی مصطلح آن در قرآن نیامده، ولی واژه‌های امت و قوم، در مواردی می‌تواند مفهوم ملت مصطلح را تداعی کند.

## استقامت اسلامی در آموزه‌های قرآن

کلمه «مقاومت» نیز در قرآن نیامده، ولی صورت‌های فعلی و اسم فاعلی استقامت در قرآن کریم، ۴۷ بار به کار رفته است (فصلت (۴۱): ۳۰؛ احقاف (۴۶): ۱۳ و جن (۷۲): ۱۶). هم‌چنین ثبات (انفال (۸): ۱۲ و ۴۵؛ بقره (۲): ۲۵۰ و ابراهیم (۱۴): ۱۴). صبر (آل عمران (۳): ۲۰۰؛ اعراف (۷): ۱۳۷ و نحل (۱۶): ۱۱۰). عزم (آل عمران (۳): ۱۸۶ و لقمان (۳۱): ۱۷) مفاهیم مقاومتی هستند که در قرآن آمده‌اند.

آیاتی از قرآن کریم بر هم‌گرایی و هم‌افزایی «عزم ملی» و «مقاومت اسلامی» دلالت دارند. به عنوان نمونه، خداوند در آخرین آیه از سوره آل عمران می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

(آل عمران (۳): ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! استقامت کنید و در برابر

دشمنان (نیز) استقامت به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل

آورید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

در این آیه شریفه چند دستور آمده است که عمل به آن‌ها در سایه هم‌گرایی و تعاضد عزم ملی و استقامت اسلامی امکان‌پذیر و نتیجه آن فلاح و رستگاری جامعه است. دستورهای یادشده عبارت‌اند از: ۱. «اصبروا»؛ یعنی استقامت و صبر و ایستادگی در برابر حوادث. ۲. «صابروا» از «مصابره» (باب مفاعله) به معنای صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران و به تعبیر دیگر، استقامت گروهی و اجتماعی (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۳۴) که همان عزم ملی در برابر مشکلات و ایستادگی اجتماعی است. یعنی اگر دشمنان برای ضربه‌زدن به مسلمانان، اهل صبر هستند، مسلمانان باید با عزمی راسخ در برابر صبر آنان شکیب بیش‌تری از خودشان بروز دهند تا پیروز شوند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۱۸ و فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۴۷۵). مصابره و مقاومت یادشده شامل همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۳۸) و مؤمنان تنها با استقامت امت اسلامی و عزم ملی می‌توانند این دستور الهی را اجرا کنند. ۳. «رابطوا» و مصدر آن؛ یعنی رابطه به معنای مراقبت از مرزها آمده است. «رابطه» معنای وسیعی دارد که

هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه اسلامی را شامل می‌شود. این مفهوم نیز اجتماعی و دستوری همگانی است و با استقامت امت اسلام در سایه عزم ملی می‌توان به مرابطه واقعی رسید (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۱۸). در بعضی از روایات، به علما و دانشمندان نیز «مرباط» گفته شده است. زیرا آن‌ها نگهبانان عقاید و فرهنگ اسلام‌اند؛ در حالی که مرزداران زمینی حافظ مرزهای جغرافیایی هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷). مسلماً ملتی که مرزهای عقیدتی و فرهنگی او مورد حملات دشمن قرار گیرد و نتواند به خوبی از آن دفاع کند، در مدت کوتاهی از نظر سیاسی و نظامی نیز شکست خواهد خورد. پس عزم ملی در جهاد فرهنگی از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. مرابطه زمانی می‌تواند معنا و مفهوم واقعی خود را بیابد که در حرب و محراب و در همه عرصه‌ها بدان توجه شود (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۳۸).

آیه ۱۵۲ آل عمران نیز از آیاتی است که از ارتباط وثیق بین عزم ملی و استقامت اسلامی سخن می‌گوید. از این آیه استفاده می‌شود بین استقامت مسلمانان و عزم ملی آنان، ارتباط دوسویه وجود دارد؛ هر جا عزم ملی سست شود، مقاومت ملت نیز به راحتی در هم شکسته می‌شود و هر جا عزم ملت قوی و راسخ باشد، مقاومت ملی، باعث پیروزی می‌شود:

«وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران (۳): ۱۵۲).

این آیات به نبرد سرنوشت‌ساز احد اشاره دارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۷ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۵۸). برابر گزارشات تفسیری و تاریخی (همان‌ها، همان‌جاها) در ابتدای نبرد احد که مسلمانان با عزمی راسخ، در برابر مهاجمان مقاومت کردند، پیروزی را در آغوش کشیدند، ولی وقتی عزم راسخ و همگانی آنان به سستی و مال‌اندوزی فردی متمایل شد، ورق برگشت و مسلمانان شکست سختی را تجربه کردند.



آیه ۱۱۲ سوره هود نیز بر هم‌گرایی و معاضدت عزم ملی و استقامت اسلامی دلالت دارد. خداوند در این آیه می‌فرماید: «فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ...»؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن و هم‌چنین کسانی که با تو به سوی خدا آمده‌اند (باید استقامت کنند).

استقامت عمومی که در آیه از همه مؤمنان خواسته شده، تنها با عزم ملی قابل دست‌یابی است.

خداوند متعال در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران به مؤمنان یادآوری می‌کند که سنت الهی «ابتلا» شامل همگی شده و امتحان خواهند شد. آن‌گاه به سخنانی از یهودیان که ممکن است عزم مؤمنان را خدشه‌دار کند، اشاره کرده و بر این نکته تأکید می‌کند که مؤمنان، از اهل کتاب و کافران، سخنان آزاردهنده فراوانی خواهند شنید و در ادامه می‌فرماید: «وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران (۳): ۱۸۶)؛ پس بر مؤمنان لازم است که صبر و تقوای الهی پیشه کنند تا خداوند آنان را از لغزش‌ها حفظ کرده و آنان دارای عزمی راسخ و اراده‌ای قوی شوند (طباطبایی، ۴۱۷ق، ج ۴، ص ۸۴). هم‌سویی و هم‌گامی عزم ملی و استقامت اسلامی در آیه به خوبی نمودار است.

آیه ۲۱ سوره محمد ۹ نیز از ضرورت عزم همگانی و مقاومت ملی برای جهاد سخن گفته است. این آیه درباره مؤمنان مریض‌القلبی است که از جهاد سرباز می‌زدند (طباطبایی، ۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۲۴۰). در این آیه ابتدا خداوند متعال به این نکته اشاره می‌کند که اگر آن‌ها اطاعت کنند و سخنان نیک و سنجیده و شایسته بگویند، برای آن‌ها بهتر است. در ادامه می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ»؛ اگر آن‌ها هنگامی که برنامه‌ها محکم می‌شود و فرمان جهاد قطعیت می‌یابد به خدا راست گویند و از در صدق و صفا درآیند، برای آن‌ها بهتر است.

جمله «عزم الامر» در اصل اشاره به محکم‌شدن کار است (همان، ص ۲۳۹)، ولی به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن «جهاد» (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲۱، ص ۴۶۴) و استقامت در این راه است. آیه ۱۳ سوره احقاف نیز از رابطه عزم جامعه اسلامی با استقامت سخن می‌گوید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». برابر آیه یادشده، شرطِ نترسیدن و اندوه‌ناک‌نشدن، پایداری و استمرار حرکت توحیدی است و این مهم تنها در سایه استقامت حاصل خواهد شد.

قرآن کریم، حضرت ابراهیم 7 و ملت ابراهیمی را از اسوه‌های استقامت معرفی می‌کند که در سایه عزم ملی، به اسوه‌ای حسنه برای همه اقوام و ملل تبدیل شدند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ» (ممتحنه (۶۰): ۴).

خداوند متعال در آیه فوق و آیه ششم همین سوره از «مؤمنان ابراهیمی» سخن می‌گوید که اهداف و شعارهای‌شان، «بیزاری از مشرکان»، «دشمنی ابدی با بت‌پرستان»، «توکل بر خدا»، «بازگشت به الله»، «آرزوی پیروزی» و «آمزش» (ممتحنه (۶۰): ۶) بود. دست‌رسی به این اهداف و تحقق این آمال در سایه همراهی عزم ملی و استقامت امت اسلامی ممکن است.

از نگاه قرآن، همان‌گونه که عزم ملی جامعه مسلمان باعث تقویت استقامت می‌شود، سست‌عنصری نیز باعث تضعیف مقاومت خواهد شد. قرآن کریم در باره حضرت آدم 7 می‌فرماید: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فُتْسَىٰ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه (۲۰): ۱۱۵)؛ ما قبلاً از آدم عهد و پیمان گرفته بودیم، ولی او فراموش کرد و در او «عزمی» نیافتیم. مفهوم آیه این است که حضرت آدم 7 در سایه عزم راسخ می‌توانست از وقوع ترک اولی پیش‌گیری کند و دچار چالش نشود.

در صدر اسلام، گروهی اندک از مسلمانان سست‌ایمان و فاقد عزم راسخ نیز بوده‌اند که تسلیم و سوسه‌ها و فشارهای مشرکان شده به کفر می‌گراییدند. قرآن کریم با اشاره به سرگذشت گروهی از این افراد می‌فرماید:

بی‌گمان کسانی که بعد از روشن‌شدن راه هدایت به حقیقت پشت کردند، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت؛ زیرا آنان به کسانی که نزول وحی را کراهت داشتند [کفار] گفتند ما در بعضی از امور از

شما پیروی می‌کنیم؛ حال آن که خداوند از پنهان‌کاری آنان آگاه است (محمد (۴۷): ۲۶-۲۵).

قرآن کریم به برهه‌هایی از تاریخ اشاره می‌کند که برخی از اقوام به خاطر سست‌عنصر بودن و نداشتن عزم ملی، مقاومت خود را از دست داده و نمی‌توانستند «هویت دینی» خودشان را حفظ کنند، از این رو، گرفتار مشکلات فراوانی شدند. قرآن می‌فرماید:

«وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف (۷): ۱۳۸)؛ و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم. پس در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودان (و خدایانی) دارند! گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید!

آیه یادشده، نشان‌دهنده سست‌عنصر بودن بنی اسرائیل در آن زمان است. اینان که آن همه معجزات موسوی را دیده بودند، از آن‌جا که قومی سست‌عنصر بودند، پس از دیدن بت و بت‌پرستی نتوانستند در برابر وسوسه نفس خود مقاومت کنند، از این رو، تقاضای بت‌پرستی کردند. روشن است که اگر جامعه یهود، عزم عمومی برای مبارزه با بت و بت‌پرستی داشتند، هیچ‌گاه چنین تقاضایی نمی‌کردند. زیرا آنان بر آیین توحیدی جدشان ابراهیم ۷ بودند و پیامبرانی همانند اسحاق، یعقوب و یوسف از بین آنان به نبوت برگزیده شده بود که همه آنان را به توحید دعوت می‌کرد، ولی گویا، آنان قومی مادی بودند که بر اصالت حس تکیه کرده بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۳۴). از این رو، عزمی جدی برای مبارزه با بت‌پرستی در آنان دیده نمی‌شد.

از مجموع آنچه گذشت، روشن می‌شود که برابر سنت الهی، وقتی جامعه می‌تواند همای سعادت و پیروزی و رستگاری را در آغوش بگیرد که دارای عزم قوی و استقامت باشد؛ به گونه‌ای که عزم راسخ و مقاومت، لازم و ملزوم یک‌دیگرند و بدون یکی، آن دیگری نیز ناقص و نافرجام است. از نگاه نافذ مقام معظم رهبری نیز عزم

ملی، معیار لیاقت انسان‌ها و ملت‌ها و باعث افزایش مقاومت ملی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۳۰).

### دستاوردهای مقاومت بر پایه عزم ملی

از نگاه قرآن کریم، همراهی مقاومت با عزم ملی، دستاوردهای فراوانی دارد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### عزم ملی و تقویت مقاومت اقتصادی

بخشی از دستاوردهای اقتصادی همراهی عزم ملی با مقاومت اسلامی، عبارت است از:

#### نجات از بحران اقتصادی

با دقت در داستان حضرت یوسف 7 به این نتیجه می‌رسیم که همراهی عزم ملی با استقامت، دو عامل مهم برای توسعه کشاورزی در زمان آن حضرت و قبل از فرا رسیدن قحطی بزرگ بود. وقتی عزیز مصر، خواب خودش را برای یوسف تعریف کرد، حضرت یوسف از آنان خواست با جدیت فراوان به کشاورزی بپردازند:

«قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُّوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف (۱۲): ۴۷)؛ (یوسف) گفت: هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشه‌های خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید).

واژه «دأباً» به زراعت‌های پیایی و کشاورزی چندساله با کوشش فوق العاده تفسیر شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۶۴) که نشان‌دهنده عزم ملی و استقامت عمومی برای کشاورزی و رونق اقتصادی است. سرانجام کوشش آنان به بار نشست و باعث رهایی از قحطی، استقلال اقتصادی و نیاز دیگر کشورها به آنان شد. این سنت در باره دیگر ملل نیز وجود دارد. اگر در جامعه‌ای عزم و اراده عمومی و استقامت و پایداری برای پیشرفت و توسعه وجود نداشته باشد، تحمیل توسعه و پیشرفت بر چنین جامعه‌ای کاری بس مشکل و شاید غیر ممکن باشد. به همین دلیل، در سند چشم‌انداز

جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ آمده است:

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی‌شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، می‌توان به توسعه اقتصادی، علمی و فناوری دست یافت (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۸/۱۲).

### تحمل مشکلات اقتصادی

عزم ملی و استقامت، دو پایه مستحکمی هستند که می‌توانند تحمل مشکلات اقتصادی را آسان کنند. از نگاه مقام معظم رهبری، عزم ملی، از سویی عامل پیشرفت است و از دیگر سو، به مردم کمک می‌کند تا بتوانند مشکلات را تحمل کنند. ایشان فرمودند: «مشاهده می‌کنیم که عزم ملی بحمدالله بروز و ظهور داشت. ملت ما عزم راسخ خود را هم در تحمل برخی مشکلاتی که برای او وجود داشت، نشان داد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۱).

با بررسی تاریخ و به ویژه دقت در تاریخ صدر اسلام، مشخص می‌شود که عزم ملی و استقامت مسلمانان در صدر اسلام باعث می‌شد که آنان با وجود آن که دارای عده فراوانی نبودند، به خوبی بتوانند مشکلات را تحمل کنند. قرآن کریم وضعیت مسلمانان صدر اسلام را این‌گونه توصیف می‌کند: «وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَّتَخَفَكُمُ النَّاسُ» (انفال (۸): ۲۶). تعبیر یادشده به‌ویژه جمله «تَخَافُونَ اَنْ يَّتَخَفَكُمُ النَّاسُ»، نهایت ضعف و کمی نفقات مسلمانان را در آن زمان آشکار می‌سازد؛ آن چنان که گویی همانند یک جسم کوچک در هوا معلق بودند که دشمن به آسانی می‌توانست آن‌ها را برباید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۱۳۳). نمونه بارز وضعیتی که آیه بدان اشاره کرده، وضعیت مسلمانان در «شعب ابی طالب» بود. در صدر اسلام، مشرکین که نتوانستند با فشارها و شکنجه‌ها و... حضرت محمد ﷺ را از دعوت به اسلام باز دارند، به فکر فشار اقتصادی افتادند و پیمان‌نامه ترک معاملات و مراودات اقتصادی و اجتماعی با بنی‌هاشم و بنی‌مطلب را نوشتند که بر اساس آن، تا وقتی که

بنی‌هاشم حضرت محمد ﷺ را برای مجازات به مشرکان وانگدارند، معامله با آنان ممنوع بود. با اتخاذ این رویه در شب اول محرم سال هفتم بعثت (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۳)، بنی‌هاشم را محاصره اقتصادی کردند. کم‌کم زندگی در شعب ابی طالب سخت و تمام ثروت خدیجه صرف نیازهای محصورین در شعب شد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱). گاه برخی از مکیان در تهیه غذا به بنی‌هاشم مساعدت می‌کردند (حلبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۷۵) یا در ماه‌های حرام، بنی‌هاشم می‌توانستند برخی از مایحتاج خود را فراهم کنند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۱). ولی محدودیت اقتصادی چنان شدید بود که آنان در مواردی جز خوردن پوست درخت، چاره‌ای نداشتند (حلبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۷۵) و بنی‌هاشم و مسلمانان با عزم راسخ و مقاومتی ستودنی این فشارها را تحمل می‌کردند. محاصره یادشده سه سال طول کشید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۶۳)، ولی مقاومت بنی‌هاشم در هم نشکست.

هرچند همه بنی‌هاشم، در دفاع از جان پیامبر اعظم، دارای ثبات قدم بودند، ولی در این بین نباید عزم فوق‌العاده پیامبر اعظم ﷺ در ترویج دین و عزم راسخ رهبری بنی‌هاشم در آن زمان؛ یعنی حضرت ابوطالب را فراموش کرد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۴۲).

اصحاب صفه نیز از گروه‌هایی بودند که توانستند با عزمی پولادین مشکلات اقتصادی را تحمل کنند. وضع اقتصادی آنان به گونه‌ای بود که در مواقع بحرانی، گاه در هر وعده غذایی دو عدد خرما بیش‌تر نمی‌خوردند و گاه مدت‌های طولانی از بی‌غذایی به اجبار، سنگ بر شکم بسته یا روزه می‌گرفتند (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۵۲). وضع پوشاک آنان نیز به گونه‌ای بود که گاه با حضور پیامبر ﷺ خود را پشت سر دیگران مخفی می‌کردند (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۷۱) و گاه برای حل مشکل سرما در فصل زمستان به حفره‌ها پناه می‌بردند (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸، ص ۵۲). در عین حال، پیامبر ﷺ آنان و دیگر مسلمانان را به استقامت دعوت و از گدایی منع کرده بود. آیه ۲۷۳ بقره در همین زمینه نازل شده است. خداوند در این آیه از مؤمنان می‌خواهد تا در کمک‌کردن کوتاهی نکنند و گمان نکنند کسی که درخواست نمی‌کند، نیازمند نیست:

«... يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ اغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمِهِمْ لَا يَسْلُونَ النَّاسَ الْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَنَانَ اللَّهُ بِهِ عَلِيمٌ» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۳۶ و ابن جوزی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۲۷). عزم ملی صفت‌نشینان باعث شد بتوانند مشکلات اقتصادی را پشت سر نهاده در راه مکتب‌ایستادگی کنند.

### عزم ملی و تقویت اخلاقی جبهه مقاومت

همراهی عزم ملی با مقاومت، دستاوردهای اخلاقی فراوانی دارد که تقویت صبر اجتماعی و غفلت‌زدایی از آن جمله است.

### تقویت صبر اجتماعی

صبر از جمله با ارزش‌ترین فضیلت‌ها در آیین اسلام است. از نگاه قرآن کریم، جایگاه صبر تا حدی است که خداوند در ستایش پیامبران اولوالعزم، از آنان با وصف صابران (احقاف) (۴۶): (۳۵) یاد می‌کند.

از آیات قرآن استفاده می‌شود که صبر بر دو گونه فردی و اجتماعی است. چنان‌که گذشت، در آیه ۲۰۰ آل عمران، واژه «صابروا» نشان‌دهنده ارتباط طرفینی (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۳۴) و ناظر به صبر اجتماعی است و صبر اجتماعی جز در سایه «عزم ملی» تحقق نمی‌یابد. خداوند متعال در دو آیه، صبر را از زمره «عزم الامور» می‌شمرد (آل عمران (۳): ۱۸۶ و لقمان (۳۱): ۱۷).

عزم الامور بدان معنا است که انسان برای تحقق آن باید عاقبت‌اندیشی، تدبّر، تفکّر، استشاره کند تا به جزم برسد؛ به گونه‌ای که وهن، بی‌میلی، کراهت، تردید، شک و انزجار به اراده او راه نیافته و برای انجام آن مصمم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۶۴۵).

آیه‌الله جوادی آملی در تفسیر و توضیح آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌نویسد:

صبرهای تان را با هم تبادل کنید، نه این که هر یک به تنهایی صبر کنید؛ زیرا صبر هر انسانی محدود است و برخی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند. پس طبق فرمان (صابروا) انسان موظف است در کارهای اجتماعی با سایر

هم‌نوعان صبر کرده و ضعف دیگران را با صبر خود جبران کند. چنان‌که  
ضعف او نیز با صبر دیگران جبران خواهد شد (همان، ج ۱۶، ص ۷۷۰).  
«مصابره»؛ یعنی روی هم قرار دادن صبرها و با هم صبر کردن و کمک کردن به صبر  
دیگران و ترمیم ضعف‌های فردی با توان جمعی و ترمیم ناشکیبایی یک‌دیگر به حلم و  
بردباری خود است (همان).

در بررسی قرآن کریم در می‌یابیم بین عزم ملی، «صبر اجتماعی» و پیروزی، ارتباط  
تنگاتنگی وجود دارد. بنی‌اسرائیل را می‌توان نمونه‌ای از اقوامی شمرد که در برهه‌ای از  
زمان با عزم ملی توانستند حقوق پای‌مال‌شده خود را بازیابند. خداوند در سوره اعراف،  
از نابودی قوم فرعون و درهم شکستن قدرت آن‌ها یاد می‌کند و در ادامه می‌فرماید:

«وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا  
فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ  
يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ» (اعراف (۷): ۱۳۷)؛ و مشرق‌ها و  
مغرب‌های پربرکت زمین را به آن قوم تضعیف‌شده (زیر زنجیر ظلم و ستم)  
واگذار کردیم و وعده نیک پروردگارت بر بنی‌اسرائیل، به خاطر صبر و  
استقامتی که نشان دادند، تحقق یافت و آن‌چه فرعونیان (از کاخ‌های مجلل)  
می‌ساختند و آن‌چه از باغات داربست‌دار فراهم ساخته بودند، درهم کوبیدیم!

برابر این آیه، بنی‌اسرائیل در برهه یادشده، به خاطر صبر و استقامتی که در راه حق  
داشتند، سرانجام بر قوم فرعون پیروز و وارث سرزمین‌های پهناور آن‌ها شدند. آن‌چه  
باعث شد این قوم ستم‌دیده از زیر بار ستم خارج شده و حقوق خودشان را باز پس  
گیرند، صبر، استقامت و عزم آنان بود. از این رو، خداوند در آیه فوق می‌فرماید: «وعده  
نیک پروردگار تو در زمینه پیروزی بنی‌اسرائیل - به خاطر صبر و استقامتی که نشان  
دادند - تحقق یافت» (اعراف (۷): ۱۳۷).

گرچه در این آیه تنها از بنی‌اسرائیل و سرانجام استقامت آن‌ها در برابر فرعونیان  
سخن به میان آمده، ولی به طوری که از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود، این موضوع  
اختصاص به قوم و ملتی ندارد، بلکه هر جمعیت مستضعفی که بپا خیزند و برای آزادی



خود از چنگال اسارت و استعمار کوشش کنند و در این راه استقامت و پای‌مردی نشان دهند، سرانجام پیروز خواهند شد و سرزمین‌هایی که به وسیله ظالمان و ستم‌گران اشغال شده است، آزاد می‌گردد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۳۰).

قرآن کریم در آیه ۱۲۸ سوره اعراف نیز به این نکته اشاره کرده است که حضرت موسی ۷ قوم خودش را به استقامت دعوت و بر این نکته تأکید می‌کرد که عاقبت از آن پرهیزگاران است: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

برابر آیه فوق، مهم‌ترین رکن برای پیروزی بر دشمن پس از توکل برخدا، صبر اجتماعی و استقامت عمومی است که در سایه عزم ملی حاصل خواهد شد.

### غفلت‌زدایی

یکی دیگر از دستاوردهای اخلاقی عزم ملی، غفلت‌زدایی از جامعه و استمرار حرکت‌های اصلاحی اجتماعی است. با وجود عزم ملی، حرکت‌های اجتماعی جامعه نیز توسعه یافته و پیشرفت می‌کند و بدون وجود عزم ملی، حرکت‌های اصلاحی رو به افول نهاده و به شکست می‌انجامد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل برای ناتمام ماندن مدت حضور حضرت آدم ۷ در بهشت، سست‌عزمی بوده است. قرآن کریم، علت شکست و اخراج او از بهشت را سست‌عزمی می‌داند: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه (۲۰): ۱۱۵)؛ پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم، اما او فراموش کرد و عزم استواری برای او نیافتیم!

بر اساس آیه فوق، پروردگار حضرت آدم ۷ را از شجره ممنوعه نهی کرد، ولی سوگند شیطان باعث شد آن حضرت به خوردن آن اقدام نموده، از نعمت آسایش محروم گشته، دچار زندگی دشواری گردد. جمله «لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» بدین نکته دلالت دارد که حضرت آدم ۷ به خاطر ضعف تصمیم به خوردن گندم مبادرت کرد. نتیجه سستی یادشده، غفلت و سرانجام آن اخراج از بهشت بود. این نخستین آزمایشی بود که خداوند درباره نخستین فرد از بشر اجرا فرمود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۵۲۰).

ولی اختصاصی به حضرت آدم 7 ندارد. صلاح نظام خلقت بشر نیز این چنین است. یعنی نبود عزم ملی می تواند به غفلت و شکست منجر شود.

در برخی از موارد ممکن است به خاطر وجود برخی موج های گذرا، ملتی انقلاب کنند و حتی به پیروزی هایی نیز دست یابند، ولی اگر ملت دارای عزم ملی و استقامت نباشند، پس از مدتی دچار غفلت می شوند و گاه دوباره همان ظالمان و ستم گران با نقابی دیگر، وارد صحنه شده و انقلاب را به شکست می کشانند. شکست مصدق و کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ شمسی نمونه ای روشن و درس آموز در این باره است. زیرا سست شدن عزم ملی و استقامت نکردن جامعه و انقلابیون، دو عامل برای نابودی و از بین رفتن انقلاب و بازگشت دوباره شاه به قدرت شد. جامعه ای که دارای عزم ملی و استقامت باشد، با حضور مستمری که در صحنه دارد، باعث می شود، حرکت های اصلاحی اجتماعی روز به روز شکوفاتر شده و گام به گام به پیروزی نهایی نزدیک تر شوند. امام خامنه ای در این باره می گوید:

ملت ایران نشاط خود را، روحیه خود را، عزم و اراده خود را، موقع شناسی خود را... نشان دادند... ملت بزرگ ایران... نشان داد که در شرایطی که اقتضائات بین المللی وجود دارد، وظایف خود را گرم تر و گیراتر، پراکنده تر و پرشورتر انجام می دهد (خامنه ای، ۱۳۸۹/۶/۱۹).

### عزم ملی و دستاوردهای سیاسی مقاومت

بخشی از مهم ترین دستاوردهای همراهی عزم ملی با مقاومت اسلامی در حوزه مسائل سیاسی بروز و ظهور می یابد که در ادامه به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

#### اتحاد ملی

وجود تفاوت در جوامع بشری، طبیعی و غیر قابل انکار است. در این بین، عوامل بیرونی یا درونی می تواند تفاوت یادشده را به اختلاف، تشتت و هرج و مرج بکشاند و جامعه را نابود کند. یکی از بهترین راه حل ها برای حل این مشکل، تقویت عزم ملی و افزایش مقاومت جوامع است. رهبر معظم انقلاب با اشاره به برخی از مشکلات ملت،

تصریح کرده‌اند که راه حل برطرف کردن این مشکلات و چالش‌ها، عزم ملی است: چالش‌های درونی ما این‌ها است: سرگرم شدن به اختلافات در داخل کشور؛... از دست دادن انسجام ملت... دچار شدن به تنبلی و بی‌روحی، دچار شدن به کم‌کاری، دچار شدن به یأس و ناامیدی، ... عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند همه این گره‌ها را باز کند. این‌ها همه، آن چالش‌های درونی ما است که باید با این‌ها مقابله کنیم (همان، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

با بررسی سیره پیامبر اعظم <sup>9</sup> نیز این نکته به خوبی مشخص می‌شود که یکی از مهم‌ترین اقدامات آن حضرت برای زدودن اختلافات داخلی، افزایش مقاومت ملی و تحکیم اتحاد جامعه، توجه به عزم و اراده ملی برای وحدت و اتحاد بود. ایشان در این راستا، با ایجاد جامعه‌ای واحد و بر اساس توحید، اختلافات داخلی را تقلیل داد. نمونه‌ای از اقدامات آن حضرت بین مسلمانان، عقد اخوت بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۹، ص ۳۷). خداوند در «آیه اخوت»، مؤمنان را برادر دینی یکدیگر دانسته و به ایجاد صلح و سازش میان آنان سفارش کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات (۴۹): ۱۰). در پی نزول این آیه، پیامبر اعظم بین مسلمانان بر اساس منزلت‌شان پیوند برادری برقرار ساخت؛ ابوبکر را با عمر، عثمان را با عبدالرحمن و...، علی <sup>7</sup> را برادر خود قرار داد و فرمود: «تو برادر منی و من برادر تو هستم» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۸۶). مسلمانان در آغاز، بر اساس همین برادری، حتی از یکدیگر ارث نیز می‌بردند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۷ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۶۵). اقدام یادشده باعث شد عزم عمومی مسلمانان برای استقامت تقویت شده و اتحاد آنان نمود بیش‌تری یابد.

### خودباوری

یکی دیگر از دستاوردهای سیاسی هماهنگی عزم ملی و استقامت، خودباوری است. افراد و جوامعی که از خودباوری تهی باشند، به راحتی تحت تأثیر القای دشمن قرار گرفته خود را می‌بازند. در مقابل، افراد و جوامعی که به خودشان و توانایی‌های جوامع

اعتماد دارند، به راحتی در برابر دشمن مقاومت می‌کنند. از همین روست که مستکبران در طول تاریخ سعی کرده‌اند روحیه خودباوری را از دیگران بستانند. آنان با استخفاف اقوام دیگر، سعی می‌کردند به آسانی بر آنها حکومت کنند. به عنوان نمونه قرآن کریم در باره فرعون می‌فرماید: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ أَنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف (۴۳): ۵۴). در برابر این نگاه، نگاه اسلام وجود دارد که مسلمانان وظیفه دارند با خودباوری و اعتماد به نفس، استقامت کنند. از نگاه قرآن، مسلمانان به زراعتی می‌مانند که جوانه‌های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود می‌ایستند و شگفتی‌ساز می‌شود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْهَهُ فَازْرَعَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ...» (فتح (۴۸): ۲۹). این تمثیل، به ویژه با توجه به تعبیر «فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ» اشاره‌ای گویا به اعتماد به نفس مؤمنان واقعی دارد. اعتماد به نفس یادشده، جز در سایه عزم ملی قابل دستیابی نیست. پیامبر اکرم و ائمه : نیز همواره یاران خودشان را به اعتماد به نفس تشویق کرده و «روحیه ما می‌توانیم» را در آنان بارور می‌کردند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۳۹).

از این روست که امام امت و آیه‌الله خامنه‌ای همواره بر خودباوری و تقویت آن تأکید داشته و دارند. به عنوان نمونه امام امت می‌گوید:

ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم. ما که خودمان را گم کرده بودیم، باید این «خود» گم‌کرده را پیدا کنیم و این فکر که بر ما تحمیل شده بود که «اگر دست خارج کوتاه شود، می‌میریم» را با تمام قدرت از بین ببریم و دیدید که ملتی با دست خالی در مقابل ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها ایستاد و این حرکت موجی برداشت که به امید خدا، به این زودی‌ها نمی‌ایستد... تکرار می‌کنم: ما باید باورمان شود که چیزی هستیم. اگر اعتقاد پیدا کردیم که می‌توانیم هر کاری را انجام دهیم، توانا می‌شویم. شما هم اعتقاد پیدا کنید که می‌توانید. مغزها باید شست‌وشو شود و مغزهایی که به خود متکی است، جای آن را بگیرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۱۰).

## تقویت رهبری

یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی همگامی عزم ملی با مقاومت، تقویت رهبری و حاکم اسلامی است. برابر بسیاری از روایات، یکی از مصادیق مصابره و مرابطه‌ای که در سوره ۲۰۰ آل عمران از آن سخن به میان آمده، همراهی با رهبری است. به عنوان نمونه، از امام صادق ۷ روایت شده که: «صبر کنید بر فریض و هم صبوری نمایید در مصائب و بستگی پیدا کنید با ائمه» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۸۱). هم‌چنین از آن حضرت نقل شده است که: «صبر کنید بر مصائب و شکیبایی نمایید در فریض و بستگی پیدا کنید با ائمه» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۳۰ و بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۷۳۰).

روایات یادشده به خوبی بر نقش عزم ملی برای استقامت با تقویت رهبری دلالت دارد؛ زیرا همه مردم وظیفه دارند با صبر اجتماعی، با امامان هم‌بستگی کرده و پیمان ببندند. این روایات از قبیل بیان مصداق است که برحسب اقتضای مقامات بیان فرموده‌اند (تقفی نهرانی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۵۵۸). از این رو، مقصود احادیث از بیان مصادیق یادشده، بیان ارتباط تنگاتنگی است که بین رهبری جامعه و هم‌بستگی آن وجود دارد. زیرا جامعه‌ای که افرادش دارای عزم ملی مقاوم بوده و تحت فرمان رهبری عادل و زمان‌شناس باشند، از امر امام‌شان در همه امور از جمله در جهاد با دشمنان اطاعت می‌کنند. چنان‌که در دیگر امور همانند شرکت در نماز جمعه و جماعت، انتظار فرج برای امام زمان و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت و دیگر امور خیر و نیک، یاور یک‌دیگر هستند و با یاری گرفتن از تقوای الهی، جامعه‌ای سالم ساخته خواهد شد.

## عزم ملی و دستاوردهای اجتماعی مقاومت

همراهی عزم ملی با مقاومت، آثار اجتماعی فراوانی نیز در پی دارد که در ادامه به برخی از آثار آن اشاره می‌کنیم:

## نشاط روحی جامعه

جامعه‌ای که در آن عزم ملی حکم‌فرما باشد، جامعه‌ای زنده، پویا، پرنشاط و بالنده است. در چنین جامعه‌ای مردم می‌توانند به خوبی در برابر مستکبران استقامت و پایداری کنند. یکی از راه‌کارهای همیشگی مستکبران برای نابودکردن و به‌زاندراورن جوامع، دمیدن روح ناامیدی در جامعه است. وجود عزم ملی می‌تواند این حربه را خنثی و روحیه امید را به جامعه بازگرداند. آیه‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

انگیزه موج میزند در رفتار و گفتار مردم عزیز ما... ملتی که یک چنین امیدی در او هست، این جور به سمت آینده با نگاه خوش‌بینانه و با عزم و اراده نگاه می‌کند، این ملت مسلماً و قطعاً و یقیناً به قله‌ها دست پیدا خواهد کرد(خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۶/۱۹).

در مقابل آن، جامعه‌ای که از عزم ملی تهی باشد، جامعه‌ای خمود خواهد بود. آیه‌الله خامنه‌ای معتقدند:

از دست دادن انسجام ملت از چالش‌های ما است. دچارشدن به تنبلی و بی‌روحیگی، دچارشدن به کم‌کاری، دچارشدن به یأس و ناامیدی ... باید عزم داشته باشیم، عزم ملی و مدیریت جهادی می‌تواند همه این گره‌ها را باز کند(همان، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

بررسی تاریخ اسلام نیز آنچه گذشت را به خوبی اثبات می‌کند. تاریخ صدر اسلام، مملو از مواردی است که افرادی از جامعه، قبل از پذیرش اسلام، احساس کمبود شخصیت کرده و مورد تحقیر قرار می‌گرفتند. ظهور اسلام و دستورهای حیات‌بخش آن باعث شد این افراد هویت خود را باز شناخته و نسیم بهاری اسلام، بر روح آنان اثری مسیحایی نهاده و عزمی که دین مبین اسلام به جامعه داده بود، آنان را زنده کند. مولای متقیان وضعیت اسف‌بار جامعه بی‌روح و مرده عرب‌های قبل از بعثت را این‌گونه معرفی می‌کند:

خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ را هشداردهنده جهانیان مبعوث فرمود تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، آن‌گاه که شما ملت عرب، بدترین

دین را داشته و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی، به سر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یک‌دیگر را به ناحق می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود (نهج البلاغه، خطبه ۲۶).

با ظهور اسلام، در مسلمانان عزم راسخی پدیدار شد که حاضر شدند برای حفظ دین خودشان، رنج سفر به دیگر بلاد غربت را بر خودشان هموار کنند. جامعه مسلمانان، حتی در غربت نیز نه تنها سست نشدند، بلکه عزم آنان جدی‌تر و بریقین آنان افزوده شد. یکی از گروه‌هایی که برای حفظ دین خودشان به دیگر سرزمین‌ها هجرت کردند، مهاجران حبشه بودند. مراجعه به اشعاری که از این مهاجران برجای مانده روشن می‌کند که اراده پولادین یادشده باعث نشاط فوق‌العاده و شگفتی‌ساز آنان شده بود. به عنوان نمونه یکی از مهاجران می‌گوید:

ما چون در سرزمین حبشه فرود آمدیم... در حفظ دین خود امنیت داشتیم و آزادانه خدا را پرستش می‌کردیم. نه آزاری می‌دیدیم و نه چیزی می‌شنیدیم که باعث ناراحتی مان شود... ای رهگذر! پیام مرا به کسانی که می‌خواهند پیام خدا و دین او را بشنوند برسان، خاصه به آن دسته از بندگان خدا که در شهر مکه با ناراحتی و شکنجه به سر می‌برند. به آن‌ها بگو که ما سرزمین خدا را وسیع یافتیم و می‌توانیم از خواری و تحقیر و ناپسانمانی در امان باشیم. پس شما به ما بپیوندید و تن به خواری ندهید و با ذلت و ننگ نمیرید (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۴).

سخنان یادشده، نشان‌دهنده اوج نشاط روحی مهاجران حبشه است که در سایه عزم عمومی برگرفته از اسلام به آن دست یافته بودند.

در این بین، کافران برای شکستن عزم ملی و سست کردن مقاومت مسلمانان، عده‌ای را به حبشه فرستادند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۴۱۵). ولی نشاط روحی مسلمانان و عزم راسخی که همه آن‌ها، به‌ویژه جعفر بن ابی‌طالب از خود بروز داد،

آن قدر ستودنی بود که باعث تعجب دوست و دشمن شد. او ابتدا وضعیت جامعه خمود و مرده عصر جاهلی را در حضور پادشاه به تصویر کشید و در ادامه به تشریح آیین اسلام پرداخت و از نجاشی خواست که اجازه دهد آن‌ها هم‌چنان در حبشه بمانند.

قدرت بیان جعفر و جدیت آنان در مورد دین و آیین خودشان باعث شد نجاشی، علی‌رغم تقاضای اطرافیان خودش، تسلیم تقاضای مشرکان نشده و مسلمانان را تحویل آنان ندهد. در پایان جلسه، شادی غیر قابل وصفی در مسلمانان پدید آمد و آنان طعم شیرین نشاط روحی را در سایه عزم و استقامت عمومی چشیدند (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۴).

### عزم ملی و دستاوردهای نظامی مقاومت

آن‌گاه که عزم ملی با مقاومت اسلامی همراه شود، علاوه بر دستاوردهای یادشده، ثمرات و نتایج نظامی نیز به دست می‌آید. از جمله:

#### انفعال دشمن

دشمن همیشه می‌خواهد خود را در موضع فعال و حریفش را در موضع انفعال قرار دهد. ولی اگر در جامعه عزم ملی برای مقاومت وجود داشته باشد، دشمن در موضع انفعال قرار خواهد گرفت. امام خامنه‌ای در این باره می‌گوید:

برخلاف آنچه که وانمود می‌شود که آن‌ها در موضع فعال قرار دارند، نه این‌جور نیست؛ دشمن در مقابل ملت ایران در موضع انفعال است. ملتی با عزم راسخ، با بصیرت، با ایمان، می‌داند چه می‌خواهد، راه را هم بلد است، سختی‌ها را هم با شجاعت تمام تحمل می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۱/۱۸).

نمونه عینی این مطلب، دشمنان پیامبر در صدر اسلام بودند که در شعب ابی‌طالب عزم ملی بنی‌هاشم دشمنان را در موضع انفعال قرار داد و خودشان عهدنامه‌ای که نوشته بودند را باطل اعلام کرده و از در دوستی با بنی‌هاشم بر آمدند و شکست را پذیرفتند (حلبی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۷۵).



فتح آسان و بدون خونریزی مکه، نمونه دیگری از اثربخشی عزم ملی مسلمانان برای قراردادن کافران در موضع انفعال است. پس از پیمان شکنی کفار قریش، پیامبر تصمیم گرفت شهر مکه را فتح کند. همگان با توجه به سابقه‌ای که از قریش داشتند، احتمال می‌دادند جنگ خونینی بین مسلمانان و کفار رخ دهد، ولی وقتی ابوسفیان و دیگر کفار قریش، عزم عمومی یاران رسول خدا و ایستادگی آنان در برابر دشمنان را دیدند، کاملاً تسلیم شدند و ابوسفیانی که خودش روزی از سران لشکر کفر بود و چند جنگ خونین را بر اسلام تحمیل کرده بود، کاملاً در موضع انفعالی قرار گرفته و مشرکان دیگر را به تسلیم شدن تشویق کرد. آیات سوره نصر در باره مطلب یادشده و فتح مکه نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۴۴).

### شکست ناپذیری

یکی دیگر از آثار و نتایج همراهی عزم ملی با مقاومت اسلامی، شکست ناپذیری جامعه است. از نگاه نافذِ سکان‌دار انقلاب اسلامی:

وقتی یک ملت بیدار شد، وقتی یک ملت ارزش عزم و اراده خودش را فهمید، وقتی یک ملت دانست که اگر بخواهد و تصمیم بگیرد و عمل بکند، هیچ قدرتی در مقابل او نمی‌تواند بایستد، با یک چنین ملتی دیگر نمی‌شود درافتاد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹).

نگاهی کوتاه به نبرد بدر، به خوبی بر این نکته دلالت می‌کند که عزم ملی و اراده پولادین عمومی در کنار استقامت، می‌تواند از ملتی کوچک و کم‌ساز و برگ، ملتی شکست ناپذیر بسازد.

غزوه بدر، نخستین و مهم‌ترین جنگ میان مسلمانان و کافران قریش است که خداوند در قرآن از آن نام برده (آل عمران(۳): ۱۲۳) و با عنایتی خاص آن را به طور گسترده در سوره‌هایی؛ مانند انفال و آل عمران آورده و نکاتی را در باره آن بیان کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۸).

برابر گزارشات تاریخی، تعداد مجاهدان در بدر، سیصد و چند نفر بوده‌اند (ابن سعد،

۴۱۰ اق، ج ۲، ص ۱۴؛ بخاری، ۴۲۲ اق، ج ۵، ص ۷۳ و طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۰۹-۷۰۸). این در حالی است که مشرکان با تعداد ۹۵۰ یا ۱۰۰۰ نفر با نوازندگان و آوازه‌خوانان و با ساز و برگ تمام و تکبر و غروری خاص از مکه بیرون آمدند و ۱۰۰ اسب را نیز برای خودنمایی یدک می‌کشیدند (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵). آیه «اذ تَسْتَعِثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجِبْ لَكُمْ» (انفال (۸): ۹) نشان می‌دهد که مسلمانان مضطرب بوده و از خدا کمک و یاری می‌طلبیده‌اند. رسول خدا ﷺ نیز آن قدر دعا کرد که ردای مبارکش از دوشش افتاد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۰۹). خداوند نیز این دعای پیامبر را مستجاب کرد و گروه اندک، ولی دارای عزمی پولادین بر گروه بزرگ و سست‌عنصر مشرک پیروز شدند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۳۸۸).

### نتیجه‌گیری

۱. عزم ملی، یکی از ارکان اصلی مقاومت اسلامی است و بدون آن، مقاومت اسلامی تحقق نخواهد یافت.
۲. توسعه و افزایش توان تحمل مشکلات اقتصادی، از دستاوردهای اقتصادی مقاومت است.
۳. تقویت صبر اجتماعی و غفلت‌زدایی از دستاوردهای سیاسی همراهی عزم ملی با مقاومت اسلامی است.
۴. همگامی عزم ملی با مقاومت اسلامی باعث نشاط روحی جامعه می‌شود.
۵. قراردادن دشمن در موضع انفعال و شکست‌ناپذیری از دستاوردهای نظامی هم‌گرایی عزم ملی و استقامت اسلامی است.

### یادداشت‌ها

۱. متفکر سوئیسی، سده هجدهم (متولد ۱۷۱۲ درگذشته ۱۷۷۸).
۲. از نظریه‌پردازان آمریکایی و معاون اسبق رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا.

## منابع و مأخذ

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه.
٣. ابن جوزي، جمال الدين عبدالرحمن بن علي، زاد المسير في علم التفسير، ج ١، بيروت: المكتب الاسلامي، ١٤٠٧ق.
٤. ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منيع، الطبقات الكبرى، به كوشش محمد عبدالقادر، ج ٢، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
٥. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابى طالب، ج ١، قم: المكتبة الحيدرية، ١٣٩٠.
٦. ابن عاشور، محمد الطاهر، التحرير والتنوير، ج ٣، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٢٠ق.
٧. ابن عربي، محمد بن علي، الفتوحات المكية، ج ٢، بيروت: دار صادر، بي.تا.
٨. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم)، ج ٢، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.
٩. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، ج ١٢، بيروت: دار صادر، ج ٣، ١٤١٤ق.
١٠. ابن هشام، عبدالملك، السيرة النبوية، ج ١، بيروت: دارالمعرفة، بي.تا.
١١. امام خميني، سيدروح الله، صحيفه امام، ج ١٥، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ١٣٨٩.
١٢. بابايي زارچ، علي محمد؛ امت و ملت در اندیشه امام خميني، تهران: مركز اسناد انقلاب اسلامي، ١٣٨٣.
١٣. بحراني، سيد هاشم، البرهان في تفسير القرآن، ج ١، تهران: بنياد بعثت، ١٤١٦ق.
١٤. بخاري، حافظ ابو عبدالله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم بن مغيرة، صحيح البخاري، ج ٥، بيروت: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
١٥. ثقفى تهراني، محمد، روان جاويد، ج ١، تهران: برهان، ١٣٥٨.
١٦. جوادى آملی، عبدالله، تفسير تسنيم، ج ٧، قم: اسراء، ١٣٨٨.
١٧. حسيني شاه عبدالعظيمي، حسين، تفسير اثني عشري، ج ١٢، تهران: ميقات، ١٣٦٣.
١٨. حسيني همداني، سيد محمد حسين، انوار درخشان، ج ١٠، قم: چاپخانه علميه، ١٤٠٤ق.
١٩. حلي، علي بن ابراهيم بن احمد، السيرة الحلبية، ج ١، بيروت: دار الكتب العلمية، ج ٢، ١٤٢٧ق.

۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در حرم مطهر رضوی 7، ۱۳۹۳/۱/۱.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۹/۶/۱۹.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین 7، ۱۳۹۴/۲/۳۰.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مردم آذربایجان، ۱۳۹۱/۱۱/۱۸.
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی ؛، ۱۳۹۳/۳/۱۴.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی، پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴، ۱۳۹۴/۱/۱.
۲۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۲۸. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعیب الارنؤوط، ج ۳، بیروت: الرسالة، ۱۴۱۳ق.
۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق داودی، صفوان عدنان، دمشق، بیروت: دارالقلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۳۰. رشید، غلامعلی و مرادی، حجت اله، «راه‌کارهای حفظ و ارتقاء روحیه و عزم ملی در نسل چهارم جنگ‌ها»، مجله مطالعات دفاعی استراتژیک، ش ۴۹، ۱۳۹۱.
۳۱. زمخشری، جارالله، الکشاف عن حقایق التنزیل، ج ۱، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۲. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۸/۱۲.
۳۳. شفیعی نیا، احمد، فقه المقاومة، تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة، ۱۴۳۲ق.
۳۴. شیخ شعاعی، محمدعلی؛ ناسیونالیسم از دیدگاه اسلام، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.
۳۵. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان، ج ۶، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۳۶. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۴، ۱۸ و ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۷. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۱ق.

۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، به کوشش گروهی از علماء، ج ۱، ۲، ۴، ۵، ۹ و ۱۰، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۹. طبری، ابن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، به کوشش صدقی جمیل العطار، ج ۳ و ۲، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۴۰. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۶، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۴۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۱، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۳. فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، ج ۶، بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ق.
۴۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، به کوشش سیدطیب موسوی الجزائری، ج ۱، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۷.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، به کوشش علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۸ و ۱۹، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۵، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۴۸. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۲، تهران: انتشارات ادنا، ۴، ۱۳۸۱.
۴۹. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ۷ و ۲۱، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵.
۵۰. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، بیروت: دار صادر، بی تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی